

جالس سنت و دموکراسی سے دراپران

درس دوم: سنت فلسفے

مسن شریعتمداری

انجمن پیشبرد دموکراسی و انتخابات آزاد (دانا)

Verein zur Förderung der Demokratie und freien Wahlen e.V.



فلسفه در ایران باستان

- متاسفانه مدارک باقی مانده از ایران باستان زیاد نیست.
- در آن چه نیز به دست آمده هیچ اثر فلسفی وجود ندارد.
- بسیار بعید به نظر می‌آید که در ۱۴۰۰ سال از دوران هخامنشیان تا انقراض ساسانیان در تمدن بزرگ ایران کتابهای علمی نگاشته نشده باشد.
- گروهی عدم وجود کتابها را نشانه‌ی عدم وجود علوم نمی‌دانند. زیرا ایرانیان در پزشکی، کشاورزی و موسیقی شهرت داشتند.

فلسفه در ایران باستان

- گروهی دو آتش‌سوزی بزرگ در پرسپولیس پس از حمله‌ی اسکندر و در تیسفون پس از حمله‌ی اعراب را دلیل از بین رفتن گنجینه‌ی دانش ایران باستان می‌دانند.
- ولی در مقابل گفته می‌شود که اگر این آتش زدن‌ها درست هم باشند، می‌بایست نسخه‌های دیگری از این کتاب‌ها نزد اشخاص و کتابخانه‌های دیگر یافت می‌شد و ترجمه‌ی آن‌ها به زبان‌های دیگر وجود داشت.
- متأسفانه این محما هنوز حل نشده باقی‌ست.

فلسفه در دوره پس از اسلام

- پس از اسلام فلسفه در جهان اسلام بیشتر مکمت خوانده می‌شد.
- در دوره‌ی عباسیان روش مملکت‌داری از ایران اقتباس شد.
- با بازگشایی فضای سیاسی بحث و جدل بین ادیان و تمدن‌های مختلف با علما و متکلمان اسلامی اوج تازه‌ای یافته بود.
- اعراب شبه جزیره عربستان جز ایمان ساده و سطحی به مذهب خود چیزی در چنته نداشتند.

فلسفه در دوره پس از اسلام

- گروهی عقل‌گرا به نام معتزله از سال ۶۷ هجری در مدینه شکل گرفته بودند.
- در مقابل آنان اهل حدیث قرار داشتند.
- بعدها شافعی مهمی از اهل حدیث با تخییراتی در عقاید و روش خود اشاعره نام گرفتند.
- ایرانیان به معتزله نزدیک بودند.
- مامون عباسی به معتزله بسیار نزدیک شد.
- او مبالغه‌های هنگفتی اختصاص داد تا یک دارالترجمه‌ی بزرگ درست شود و از مترجمان زبردست سریانی، مصری و یونانی خواست تا کتاب‌های علمی به خصوص کتب فلسفی یونان را ترجمه کنند.

فلسفه در دوره پس از اسلام

- در این دوره از فلاسفه یونان بیشتر کتب ارسطو که مکتبی فلسفی و فردگرا بود به عربی ترجمه شد.
- ترجمه این کتب تاثیر عمیقی در جهان اسلام گذاشت.
- ابوالحسن اشعری که ابتدا طرفدار معتزله بود در جلسه درس استاد خود در کوفه به صدای بلند از استاد تبری جست و از آن به بعد این گروه که قبلا عدلیه خوانده می‌شد، معتزله و پیروان ابوالحسن اشعری اشاعره نام گرفتند.
- با آمدن متوکل عباسی ورق برگشت و او که به شدت تمت تاثیر اهل مدیث و اشاعره بود، به سرکوب معتزله و تعطیلی دارالترجمه و جمع‌آوری و از بین بردن ترجمه‌های کتب یونانی و سریانی فرمان داد.

فلسفه در ایران

- در ایران نیز که موضوع اصلی بحث ماست، فلسفه‌ی ارسطویی تا دوران ابن‌سینا برتری خود را حفظ کرده بود. ابن‌سینا با تالیف دو کتاب معروف خود، **شفاء و تنبیهاات والاشارات** شرح مفصلی بر دقایق فلسفه‌ی ارسطو که در جهان اسلام به فلسفه‌ی مشایی معروف بود، نوشت.
- ابومامد محمد غزالی معاصر فواجه نظام الملک و استاد مدرسه نظامیه بغداد بود. فواجه نظام الملک شافعی مذهب و اشعری مسلک بود. غزالی نیز ابتدا آرای فلاسفه را در کتابی بنام **مقاصد الفلاسفه** تنظیم کرد که مدودا ترجمه‌ی عربی دانشنامه‌ی علایی ابن‌سینا بود و سپس در کتاب معروف خود یعنی **تهافت الفلاسفه** به رد آرای فلاسفه پرداخت.

فلسفه در ایران

- علاوه بر جریان معتزله و اشاعره در جهان اسلام یک جریان ملی‌گرای بسیار قوی در ایران به نام شعوویه شکل گرفت.
- فردوسی، ابومسلم خراسانی و بابک فرم دین را از چهره‌های نامی آن به شمار می‌آورند.
- اخوان‌الصفا گروه نخبه‌ای از دانشمندانی هستند که جزوه‌هایی در مورد علوم مختلف می‌نوشتند و نام نویسنده و اعضای خود را مخفی می‌داشتند.

فلسفه در ایران

- اسماعیلیان نیز با ترکیبی از عقل‌گرایی و باطنی‌گری و مخفی‌کاری نهضت بزرگی را برپا کردند که از زمان سلجوقیان تا حمله مغول در نوامی مرکزی و شمالی ایران حضور و قدرت داشتند.
- علاوه بر این گروه‌ها، فرقه‌ها و گرایش‌های گوناگون صوفی نیز در ایران وجود داشتند.
- همه این صداها در ایران در کلیت فویش گرایشی ایران‌شهری داشتند و حکمت فسروانی در مراه و مسلک آنان جایی قابل توجه داشت.

حکمت فسروانی

- حکمت فسروانی عرفان ایران است که سهروردی آن را به کیخسرو، شاه اسطوره‌ای ایران باستان منسوب می‌داند.
- او می‌گوید: وسیله رویت و دستیابی به حقایق موجودات همه از نور است. این دستیابی به معرفت حقیقی با الهامی که خود نتیجه سیر و سلوک عرفانی است و نام آن اشراق یعنی تاباندن نور به تاریکی است، انجام می‌شود.
- سهروردی می‌گوید من از آنجایی شروع کردم که ابن‌سینا تمام کرد.

حکمت خسروانی

- عرفان ایرانی متأثر از نوافلاطونیان به جهان ایده ها یا به نامی که مسلمانان به آن دادند یعنی عالم مثالی باور دارد.
- این عالم مثالی جایگاه حقیقت کلی هر پدیدار در این جهان فانی است.
- این جهان جهان پدیدارها و اعراض است و جوهر اشیا و پدیده‌ها در عالم مثالی است.
- وسیله‌ی دستیابی به این عالم عقل نیست. سیر و سلوک عرفانی و الهام و اشراق به جان‌های پاک است.

حکمت خسروانی

- عرفان و تصوف ایرانی در اغلب شقوق و فرقه‌های گوناگون و گرایش‌های مختلف آن افلاطونی، نوافلاطونی و ومدت وجودی است.
- پرورش یافتن در چنین فرهنگی پارادایمی ساخته که در آن اسطوره‌های باستانی مظهر حکمت اند و ایده‌ها مقایق واقعی می‌باشند انسان‌هایی را به بار می‌آورد، قضا و قدری و جبری مسلک که دنیا را جدی نمی‌گیرند و دست به سینه و ارادتمند مدعیان داشتن حقیقت اند.

عرفان دین و فرهنگ و زبان را به تسخیر خویش می‌آورد

- عرفان و تصوف از ابتدا برخلاف فقه که به زبان عربی و ویژه‌ی علمای دین است، مخاطبینش مردم عادی و زبانش فارسی است.
- نوشته‌ها و گفتار عارفان به پارسی سره و با نثری بدیع و دلنشین بود.
- آنها مفاهیم عرفانی بسیاری وارد زبان فارسی کردند و به لغات محاوره‌ای معانی عرفانی جدیدی دادند.
- زیرا معتقد بودند که اسرار آنها به دست ناهلان نباید بیافتد.

عرفان دین و فرهنگ و زبان را به تسخیر خویش می‌آورد

- عرفان ابتدا نثر و از قرن پنجم به بعد نظم (شعر) ما را به تصرف خود درآورد.
- شعر با نفوذی که در ایرانیان داشت کلید واژه‌های زبان فارسی را دارای معانی چند پهلوی متأثر از اصطلاحات عرفانی کرد و این معانی دارای ایهام و چند معنا را بر جان مردم عادی نشانده.
- از قرن هفتم هجری (۱۲ میلادی) یعنی از زمان صفویه فقه نیز گرایشی عرفانی یافت.

زبان فارسی زبان عرفان و ایهام

- که زندگانی در دوره‌ی مدرن که ارتباطات فرهنگی ما را با غرب به مراتب بیشتر نموده، باعث شده که انبوهی از مفاهیم و لغات جدید زبان ما را احاطه کنند.
- ولی معادل‌های این لغات به فارسی اغلب بار معنای بسیار متفاوتی دارند که ما فوژ از فرهنگ ماست .
- شعر و نثر ما به لغات معانی استعاره‌ای و چنگانگی بخشیده است که فضای مستی‌آور و دلپذیر عرفان از آن‌ها طلب می‌کرده است.

زبان فارسی زبان عرفان و ایهام

- حال آنکه کلمات باید در متن الزامات فردگرایانه و راسیونالیستی دوران مدرن معانی استاندارد و تعریف شده خود را داشته باشند.
- کاری بس مشکل و طاقت فرساست، که ذهنی را که به این فضای دل‌نشین ایهام و استعاره عادت کرده به فضای جدی و منظم فردگرا و راسیونل دوران مدرن خو داد. فضایی که جملات و کلمات را می‌خواهد بدون ایهام و جناس در استفاده خود بگیرد.

مشکلاتی که گفته شد، مشکلات دوره‌ی ماست

- شاید فکر کنید که زمان این سفنان گذشته است، اما کافیست به کتبی که در ایران چاپ می‌شود نگاه کنید. از دعوی دیدن امام زمان، تا ملاقات با خدا و حتی رسیدن به مقام اتماد با ذات باری تعالی.
- پذیرش این دعاوی در فرهنگ ما بسیار آسان است.
- جامعه‌ی پرورش یافته در چنین فرهنگی به شدت به دنبال مراد است. مرادی که مقایق را در مشقت خویش دارد و چراغ راه مریدان است. او هر چه بگوید مریدان اطاعت می‌کنند. فرهنگ اطاعت نهادینه است. شاه در قالب مکیم و یا فقیه مدعی وارستگی. سایه و یا خلیفه‌ی خدا و یا جانشین او در راس حکومت و در عین حال مظهر دانایی است و تاییدات الهی شامل حال اوست. در چنین فرهنگی اگر ولایت مطلقه فقیه پذیرش عمومی نمی‌یافت تعجب داشت.

خودآگاهی از ناخودآگاه جمعی

- ما به هیچ وجه نمی‌گوییم که شعر و ادب و عرفان و دین باید از فرهنگ ما مذبذف شوند. اصولاً چنین کاری نه صمیمی و نه ممکن است. به خصوص شعر و عرفان ما جنبه‌های دل‌انگیز و آرام‌بخش بسیاری دارد و قله‌هایی از هنر را تصرف کرده که به هیچ روی از دست دادنی نیست. بلکه آنچه که می‌گوییم افزایش خودآگاهی جمعی ما به این ناخودآگاه تاریخی و سنتی است که ما را توان می‌بخشد تا بین زندگانی عرفانی و معنوی در فرهنگ قدمایی و زندگانی مادی و روزمره در سنت و فرهنگ مدرن قادر به زیست دوگانه باشیم. بدون اینکه به روانپارگی فرهنگی دچار شویم.

از توجه و شرکتتان در این درس متشکره
به امید دیدار در جلسهای بعد
